



# بلاغت کاربردی (۱)

## درس ۳۱

### بقی راه‌های قصر و انواع آن

استاد: سرکار خانم فرخی

آموزشیار: حسن شم‌آبادی

## مقدمه

در درس گذشته دو نمونه از راه‌های معروف قصر را که «نفی و استثنا» و «انما» بود بیان کردیم. در این درس ابتدا دو راه معروف دیگر قصر را بیان خواهیم نمود و سپس به بقیه راههای قصر که اگر چه خیلی معروف نیستند ولی مهم بوده و کاربرد زیادی دارند اشاره می‌کنیم.

در ادامه این درس به انواع قصر می‌پردازیم چرا که قصر از جهات متعدد تقسیم‌بندی‌ها و انواع مختلفی دارد. لذا در این درس انواع قصر را به اعتبار واقعیت و حقیقت امر، و نیز به اعتبار دو طرف قصر بیان خواهیم کرد. با توجه به کاربرد فراوان قصر در قرآن شناخت انواع مختلف آن جهت درک بهتر مفهوم کلام خدای متعال و بلاغت آن بسیار مفید است.

## راه سوم قصر: «عطف»

در درس گذشته دو راه برای رساندن مفهوم قصر یعنی قصر با «نفی و استثناء» و «إنما» را بیان کردیم. سومین راه، قصر به سبب «عطف» است و این، خود بر سه قسم است.

### اقسام قصر به سبب عطف

الف) عطف به «لا»، در مواردی که نفی یا نهی مقدم نشده و با عاطف همراه نباشد.

هر دو مانعی که بیان شد در آیه ی شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»<sup>۱</sup> جمع شده است

ب و ج) عطف به «بل» و «لکن»، در جایی که نفی یا نهی بر آن دو مقدم شده باشد؛ مانند «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ»<sup>۲</sup>.

### احکام قصر به سبب عطف

احکام این نوع قصر بدین شرح است:

۱. در عطف به «لا» مقصورٌ علیه قبل از «لا» و مقصور بعد از آن ذکر می شود.

۲. در عطف به «بل» و «لکن» اگر نفی یا نهی بر آن دو مقدم شود مقصور علیه چیزی است که بعد از آن دو قرار گرفته باشد و در این هنگام معنای آن استوار کردن و تثبیت نمودن حکم ماقبل و قرار دادن ضد آن حکم برای ما بعد می باشد.

۳. شرایط عاطفه بودن «لا»، «بل» و «لکن» در کتاب های نحوی بیان شده است. اما شرایط لازم برای این که این ها مفهوم قصر را برسانند با شرایط لازم برای عاطفه بودنشان کمی متفاوت است.

۴. در کلام بلیغ نفی به «لا» عاطفه با «نفی و استثناء» جمع نمی شود؛ اما با «إنما» و «تقديم ما حقه التأخير» جمع می شود.

الف) عطف به «لا» در مواردی که نفی یا نهی مقدم نشده و با عاطف همراه نباشد.

ب و ج) عطف به بل و لکن در جایی که نفی یا نهی بر آنها مقدم شده باشد.

اقسام قصر به سبب عطف

<sup>۱</sup> فاتحه، ۷.

<sup>۲</sup> احزاب، ۴۰.

الف) در عطف به «لا» مقصور علیه قبل از «لا» و مقصور بعد از آن ذکر می شود  
ب) در عطف به «بل» و «لکن» مقصور علیه بعد از آن دو قرار می گیرد و معنای آن تثبیت نمودن حکم ما قبل و قرار دادن ضد آن برای ما بعد می باشد  
ج) در کلام بلیغ، نفی به «لا» عاطفه با نفی و استثناء جمع نمی شود؛ اما با «إِنَّمَا» و «تقديم ما حقه التأخير» جمع می شود.

SCO۱:۵:۳۱

### راه چهارم قصر: «مقدم نمودن چیزی که حق آن موخر آمدن است»

مانند «فَبِمَا رَحْمَةُ مِّنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ<sup>۱</sup>» و «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبًا».

#### احکام قصر با «تقديم ما حقه التأخير»

۱. مقصور علیه همان چیزی است که مقدم شده است.
۲. دلالت این راه بر قصر به سبب ذوق سلیم بوده و سیره افراد بلیغ بر این معنا جاری است و این دلالت با دقت در کلام ظاهر می شود.
۳. مقدم کردن در این جا، مقدم کردن به نیت موخر کردن است؛ مثل مقدم کردن خبر بر مبتدا، و مقدم کردن مفعول بر فعل، و مانند این موارد از چیزهایی که وقتی مقدم شوند بر همان چیزی که بوده اند باقی می مانند. و این همان تقديم معنوی است که در بحث تقديم مسندالیه گذشت.
۴. در مواردی که مقدم کردن واجب باشد از نوع «تقديم ما حقه التأخير» نیست؛ (مانند موارد وجوب تقديم مسند که در بحث تقديم مسند گذشت)؛ زیرا آن چه مقدم شده، اگر چه در اصل وضع کردن، حقیق این بوده که موخر بیاید؛ ولی گاهی به دلیل یک امر عارضی، مقدم آورده می شود. به عبارت دیگر «تقديم ما حقه التأخير» زمانی مفید حصر است که موخر آمدن آن صحیح باشد.

#### بقیه ی راه های «قصر»

۱. معرفه آمدن مسند؛ مثل «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»<sup>۲</sup>.
  ۲. ضمیر فصل؛ مثل «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ»<sup>۳</sup>.
- همان گونه که سیبویه بیان نموده است «هو» ضمیر فصل است و قصر مسند بر مسندالیه را می رساند.

<sup>۱</sup> ال عمران، ۱۵۹

<sup>۲</sup> فاطر، ۱۵.

<sup>۳</sup> ال عمران، ۱۸۰.

هر دو راه قصر در آیهی قبل (يَا أَيُّهَا النَّاسُ ...) و آیهی «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ»<sup>۱</sup> جمع شده‌اند.

۳. قرار گرفتن ضمیر مبتدا در ابتدای جمله؛ همان گونه که زمخشری در آیهی «وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ»<sup>۲</sup> بیان نموده است.

- الف) مقصور علیه چیزی است که مقدم شده است؛  
ب) دلالت این راه بر قصر به سبب ذوق سلیم است.  
ج) مقدم کردن در اینجا به نیت مؤخر کردن است (تقديم معنوی)؛  
د) تقديم «ما حَقَّهُ التَّأخِيرُ» زمانی مفید حصر است که مؤخر آمدن آن صحیح باشد.

احکام قصر به سبب «تقديم ما حق التأخير»

- الف) معرفه آمدن مسند؛  
ب) ضمیر فصل؛  
ج) قرار گرفتن ضمیر مبتدا در ابتدای جمله.

بقیه راه های قصر

SCO۲:۱۲:۲۳

## فصل دوم «انواع قصر»

### هدف این فصل:

بعد از بررسی این فصل می‌توانید به سئوالات زیر پاسخ دهید:

۱. انواع قصر به اعتبار واقعیت و حقیقت امر چیست؟
  ۲. انواع قصر به اعتبار دو طرف قصر چیست؟
  ۳. انواع قصر به اعتبار مقصور علیه نزد شنونده چیست؟
- در آیات زیر دقت نموده و حقیقت قصر را در آن‌ها بیان نمایید. و تأمل کنید که آیا قصر در آن‌ها به حسب واقع است یا خیر؟ سپس با بررسی این فصل بر شناخت فرق‌ها کمک بجوئید.

۱. «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»<sup>۳</sup>

۲. «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> حج، ۶.

<sup>۲</sup> بقره، ۴.

<sup>۳</sup> بقره، ۲۵۵.

<sup>۴</sup> رعد، ۴۰.

۳. «إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ»<sup>۱</sup>

۴. «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ»<sup>۲</sup>

۵. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».

## انواع قصر

قصر به اعتبارهای مختلف سه نوع است:

### الف) انواع قصر به اعتبار واقع

قصر به اعتبار واقعیت، نفس الامر و حقیقت مسأله بر دو قسم است:

۱. «حقیقی»؛ و آن انحصار و تخصیص چیزی به چیز دیگر به حسب واقعیت و حقیقت امر در نزد متکلم است

به گونه‌ای که هرگز به غیر آن سرایت نکرده و تعلق نگیرد؛ مانند: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ»<sup>۳</sup>

۲. «غیر حقیقی»؛ یعنی انحصار و تخصیص چیزی به چیز دیگر، نه به حسب واقعیت و حقیقت امر؛ بلکه در

مقایسه با یک شیء نه همه‌ی اشیاء دیگر. که به آن «قصر اضافی» (قصر نسبی) گفته می‌شود؛ مانند: «فَإِنَّهَا عَلَيْكَ

الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ»<sup>۴</sup>.

فایده:

قصر حقیقی خود بر دو نوع است:

الف) «تحقیقی»؛ که مطابقت با واقعیت، نفس الامر و حقیقت مسأله است.

ب) «ادعایی»؛ که همان موافقت با قصد و ادعای متکلم است.

قصر حقیقی تحقیقی، اعتبار بلاغی ندارد؛ اما قصر حقیقی ادعایی، بعضی از نکات بلاغی را دارد؛ و قصر اضافی

شعبه‌ای از شعبه‌های بلاغت است.

### ب) انواع قصر به اعتبار نوع طرفین

قصر بین دو چیز ی که بین آن‌ها نسبت وجود دارد واقع می‌شود، به این صورت که مقصور و مقصورعلی ه یا

منسوب‌الیه است که موصوف نامیده می‌شود یا منسوب است که صفت نامیده می‌شود.

مقصود از صفت در این جا، صفت معنوی است یعنی معنایی که به غیر خودش وابسته است.

و قصر (حقیقی یا اضافی) به این دو اعتبار بر دو نوع است:

<sup>۱</sup> غاشیه، ۲۱.

<sup>۲</sup> آل عمران، ۱۴۴.

<sup>۳</sup> آل عمران، ۲.

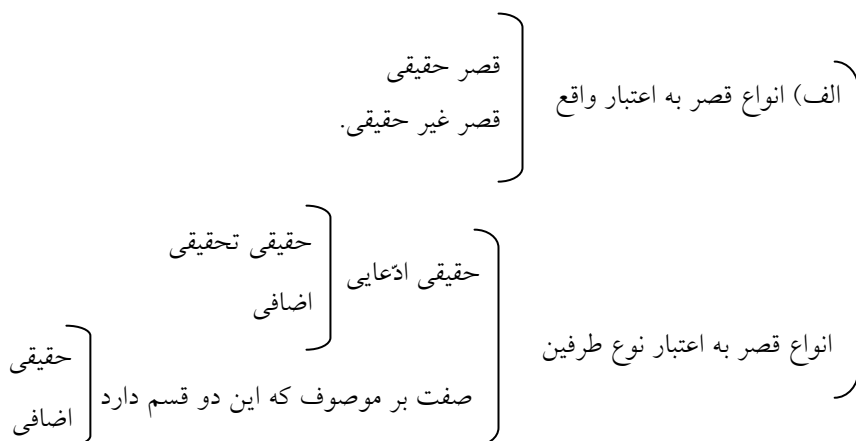
<sup>۴</sup> رعد، ۴۰.

۱. **قصر موصوف بر صفت** ، آن است که موصوف (منسوب‌الیه) غیر از این صفت (منسوب) صفت دیگری نداشته باشد؛ ولی همین صفت می‌تواند صفت برای موصوف دیگر باشد.

و این مورد یا «**حقیقی تحقیقی**» است که گفته شده این نوع قصر یافت نمی‌شود؛ زیرا مستلزم احاطه بر همه ی صفات آن چیز است و این گونه آگاهی ممکن نیست. و این نوع انحصار در قرآن واقع نشده است. و یا «**حقیقی ادعایی**» است؛ مثلاً: «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»<sup>۱</sup> و یا «**اضافی**» است، مثل: «إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكَّرٌ لَّسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ»<sup>۲</sup>.

۲. **قصر صفت بر موصوف**، آن است که این صفت تنها برای همین موصوف می‌آید و نه برای موصوف دیگری؛ ولی جایز است که برای این موصوف، صفت های دیگری بیاید. و آن یا «**حقیقی**» است؛ مثل «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ»<sup>۳</sup> و یا «**اضافی**»؛ مثل «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ»<sup>۴</sup>.

قصر به اعتبارهای مختلف سه نوع است که دو نوع آن عبارتند از



SC03:24:21

۳ مائده، ۹۰.

۴ غاشیه، ۲۱.

۳ بقره، ۱۶۳.

۴ رعد، ۴۰.

## چکیده

۱. اقسام قصر به سبب عطف عبارتند از : الف) عطف به «لا» در مواردی که نفی یا نهی مقدم نشده و با عاطف همراه نباشد؛ ب و ج) عطف به بل و لکن در جایی که نفی یا نهی بر آنها مقدم شده باشد.
۲. احکام قصر به سبب عطف عبارتند از: الف) در عطف به «لا» مقصور علی قبل از «لا» و مقصور بعد از آن ذکر می شود؛ ب) در عطف به «بل» و «لکن» مقصور علیه بعد از آن دو قرار می گیرد و معنای آن تثبیت نمودن حکم ما قبل و قرار دادن ضد آن برای ما بعد می باشد؛ ج) در کلام بلیغ، نفی به «لا» عاطفه با نفی و استثناء جمع نمی شود؛ اما با «إنما» و «تقدیم ما حقّه التأخیر» جمع می شود.
۳. یکی از راه های افاده قصر «تقدیم ما حق التأخیر» است و احکام آن عبارتند از: الف) مقصور علیه چیزی است که مقدم شده است؛ ب) دلالت این راه بر قصر به سبب ذوق سلیم است . ج) مقدم کردن در اینجا به نیت مؤخر کردن است (تقدیم معنوی)؛ د) تقدیم «ما حقّه التأخیر» زمانی مفید حصر است که مؤخر آمدن آن صحیح باشد.
۴. بقیه راه های قصر: الف) معرفه آمدن مسند؛ ب) ضمیر فصل؛ ج) قرار گرفتن ضمیر مبتدا در ابتدای جمله.
۵. قصر به اعتبار های مختلف سه نوع است که دو نوع آن عبارتند از : الف) انواع قصر به اعتبار واقع؛ ب) انواع قصر به اعتبار نوع طرفین.
۶. انواع قصر به اعتبار واقع: الف) قصر حقیقی؛ ب) قصر غیر حقیقی.
۷. انواع قصر به اعتبار نوع طرفین: الف) قصر موصوف بر صفت که خود دارای سه قسم است : حقیقی تحقیقی، حقیقی ادعایی و اضافی؛ ب) قصر صفت بر موصوف که این دو قسم دارد: حقیقی، اضافی.